

چیزهای فراموش نشدنی در سفرها



وبرادرم را گرفت و کنار وسایل خودش برد. مامان کیسه‌هایی پارچه‌ای برای تفکیک زباله برداشته بود. ما می‌دانستیم کیسه‌های پلاستیکی‌ای که توی جاده و جنگل و رودخانه‌ها رها می‌شوند پانصد سال طول می‌کشد که تجزیه شوند و به جنگل‌ها و رودخانه‌ها، ماهی‌ها و حیوانات دیگر ضرر می‌رسانند. از اینکه مامان فقط کمی لباس ضروری، جعبه‌ی کمک‌های اولیه، چراغ قوه، کلمن آب و زیرانداز و صابون و شامپو و یک نخ و سوزن و قیچی برداشته بود تعجب کردیم. مامان به ما گفت: ما سفر می‌رویم که از طبیعت روحیه و شادابی بگیریم. پس اگر سبک سفر نکنیم، خودمان را خسته می‌کنیم. مامان درست می‌گفت. نباید توی سفر فقط به فکر خودمان باشیم. باید به فکر ماشین، طبیعت، کوه و جنگل هم باشیم.



سفر فقط از جایی به جایی دیگر رفتن نیست. در سفر چیزهای جدیدی می‌بینیم و تجربه‌های مهمی را یاد می‌گیریم. توی سفر یک چیزهایی را نباید فراموش کرد و یک سری کارها را باید در نظر گرفت و رعایت کرد. همه‌ی این‌ها را در صفحه‌ی اول دفتری که با خودم برداشته بودم تا خاطرات سفرم را بنویسم نوشتم: امروز چهارشنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۲ است. مامان با خوش حالی گوشی تلفن را گذاشت و دوید سمت من و برادرم و گفت که خبر خوش دارد: فردا می‌رویم شمال. من و سینا ذوق زده هورا کشیدیم. مامان گفت: مرخصی بابا جور شده است و باید وسایل لازممان را برداریم. ما به اتاقمان رفتیم و مثل فرقه همه‌ی وسایلمان را جمع کردیم. من توپ و کلاه و عینک و چند تالیا و مسواک و شانه برداشتم. برادرم هم وسایل بازی و بیشتر لباس‌ها و کفش‌هایش را برداشته بود و هنوز هم داشت دنبال وسایل دیگری که می‌خواست با خودش به سفر ببرد می‌گشت. مامان از اتاق کناری گفت: دوربین عگاسی یادتان نرود بچه‌ها! مادرم راست می‌گفت. از هر مسافرت باید خاطراتی را با خود یادگاری برداشت. بعد از یک ساعت، مادرم به اتاق من و برادرم آمد. وقتی آن همه وسایل را که توی کوله‌پشتی و چمدان‌ها نمی‌شدند دید با خنده گفت: پسرهای خوب! این طوری که توی ماشین جابجایی خودمان باقی نمی‌ماند! باید سبک سفر کرد تا به ماشین زیاد فشار نیاید. ما گفتیم: مگر شما چی برداشتید که وسایل ما به نظرتان زیاد می‌آید؟ مامان دست من